

نمادهای مشترک میان آیین مهر و دین مسیحیت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

کد مقاله: ۶۲۸۶۹

سمانه (ثمین) رستم بیگی^۱

چکیده

ایرانیان بیش از سه هزار سال است که شب یلدا - زاد شب ایزد فروغ را در شب ۱ دیماه - ۲۱ دسامبر جشن می گیرند. این روز در مسیحیت مقارن با تولد مسیح است که در سده چهارم میلادی بر اثر اشتباه در محاسبه سال های کیبسه، به ۲۵ دسامبر تغییر یافت. در کلیساهای سرتاسر اروپا نشانه های بسیاری از دین مهر در سده های آغازین مسیحیت برجای مانده است. آیین مهر قرن ها نام فراموش شده ای در اروپا بوده و حتی در سده های پانزدهم و شانزدهم میلادی، باستان شناسان یادمان های کشف شده مهری را نمایانگر خدایان و قهرمانان افسانه ای رم می پنداشتند. لیکن در سالهای اخیر با مطالعه آیین مهر اشتراکات زیادی میان ویژگی های نمادین این آیین با دین مسیحیت به دست آمده است. این مقاله با این سوال که ویژگی های نمادین مشترک میان آیین مهر و مسیحیت در چیست؟ به این نتیجه نایل شد که اشتراکات این دو دین نه تنها در ظواهر نمادین که بعضا در مفاهیم پایه ای و مراحل سیر و سلوک نیز بسیار است. لیکن از آنجا که آباء کلیسا جهت رواج هرچه بیشتر مسیحیت راهی جز برانداختن و نابودی آیین مهری و عناصر آن نداشتند، از این رو بسیاری از نمادها و شعایر این آیین را با اندکی تغییر در شکل و یا در مفهوم وارد دین مسیحی کردند تا بتواند طرفداران پرشمار آیین مهری را به سوی خود جذب کند. از این رو برخی از شعایر کم کم چنان در مسیحیت رسوخ کرد که بخش لاینفک آن گردید. این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از فنون مطالعات اسنادی - کتابخانه ای و مشاهده انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: آیین مهر؛ مسیحیت؛ نمادها و مضامین مهر؛ نمادها و مضامین مسیحیت.

۱- عضو هیئت علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

۱- مقدمه

بررسی های تاریخی نشان می دهد که آریایی ها از دوران باستان شب یلدا را گرامی میداشتند، از آن رو که این شب را شب "تولد مهر" می دانستند. شب نشانه تاریکی اهریمنی و روز نشانه روشنی ایزدیست چون شب یلدا بلندترین شب سال است که پس از آن روزها طولانی تر می شوند و روشنی بر تاریکی چیره می گردد. بعدها در میان پیروان زرتشت این اعتقاد دیده می شود که در این شب "سوشیانس" (منجی) به دنیا می آید. "یلدا"، واژه ای سریانی و به معنی "تولد" است. بررسی های انجام شده دال بر آنست که شب موصوف به یلدا، مفاهیمی همچون زایش، تولد، آفرینش، آمدن، ظهور و پدیداری را با خود به همراه داشته و با مترادف هایی از این دست ارتباط مستقیم دارد.

آیین مهر در امپراتوری روم مهمترین و گسترده ترین نظام دینی بود لیکن امروزه اطلاعات و آگاهی های اندکی از آن داریم. در سده هایی که آن را مسیحی می خوانیم، دین مهر دربرگیرنده ترین دین در جهان غرب بود. برای آباء کلیسا، دین مهر خاری درچشم بود و یادمان های آن از دوران امپراتوری روم حاکی از استقبال و پذیرش شگرف آن در میان مردم است. به عنوان مثال در کشور انگلستان که سیصد سال در دست رومیان بود، آن هم در دورانی که فرض شده مسیحیت در سراسر امپراطوری رخنه و نفوذ داشته، هیچ یادمان و نشانی از مسیحیت به دست نیامده است، حال آن که یادمان هایی که برای بزرگداشت و ستایش مهر برپا شده، فراوان دیده می شود. نفوذ آیین مهر در سرزمین های غربی و بقای ریشه های آن در مسیحیت و همچنین بقای آن به صورت نمادهای تصویری مهری که در ادوار بعدی تکرار و یا بازآفرینی شده اند، موید دربرداشتن چهارچوبهایی محکم در مبانی میتراپسیم است که توانسته است با پذیرش تغییرات در مفاهیم و حفظ شکل و یا تغییر شکل با حفظ مفاهیم، به حیات خود تا زمان حاضر ادامه دهد. آباء کلیسا برای نابودی آیین مهر بسیار کوشیدند تا آنجا که بسیاری از طرفداران این آیین به قتل رسیده و بسیاری برای وفاداری به مسلک خویش طریق خفا پیمودند لیکن گسترش آیین مهر ادامه یافت. این امر باعث شد که آباء کلیسا با اخذ مظاهر مهری و وارد نمودن آنها به دین مسیحیت در صدد برآیند تا به واسطه برقراری قرابت های ظاهری و گاه حتی افزودن مفهومی همچون "پیامبر صلح و مهر و نجات بخش"، طرفداران را به سوی خود جلب کنند که البته این تمهید بی تأثیر نبود. این مقاله در نظر دارد که به بررسی ویژگی های مشترک میان آیین مهر و مسیحیت چه از نظر ظاهری و نمادین و چه از نظر تاریخی بپردازد. در این راستا از شیوه توصیفی - تحلیلی و از روش کتابخانه ای و مشاهده استفاده شده است.

۲- پیشینه تحقیق

تا قبل از برگزاری کنگره ی بین المللی مطالعات مهرشناسی اطلاعات زیادی در خصوص آیین مهر وجود نداشت. لیکن بعد از برگزاری دومین کنگره در ۱۹۷۵ و ویرایش اطلاعات مربوط به این آیین در دانشنامه بریتانیکا، کم کم مهر به عنوان یکی از قدیمی ترین آیین های ایرانی که در دوران امپراطوری روم در گستره ی وسیعی از اروپا طرفدار می یابد مطرح می گردد. گزارش های این دومین کنگره و مقالات آن در کتابی با عنوان دین مهر در جهان باستان توسط مرتضی ثاقب فر جمع آوری شده است. کم کم مطالعات در خصوص این آیین گسترش می یابد که از مهمترین تحقیقات پیرامون آن در میان پژوهشگران ایرانی می توان به کتاب در راه مهر ذبیح الله بهروز، جستارهایی درباره مهر و ناهید محمد مقدم، و پژوهشگران غیر ایرانی مارتین ورمازن با کتاب آیین میترا، فرانس کومون با کتاب متون و تصاویر تاریخی در باره رازهای میترا و اسرار میترا می توان اشاره کرد. این پژوهش به تطبیق این آثار و دیگر آثار متأخر جهت دست یافتن به تاثیرات این آیین بر دین مسیحیت و استفاده از شعایر و نمادهای آن در این دین می پردازد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی و به شیوه توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته است و در مواردی تصاویر و شعایر نمادین دین مسیحیت و آیین مهری با هم تطبیق داده شده اند.

۴- اسناد مرتبط با مهرپرستی

کهن ترین سند مکتوبی که نام مهر، این خدای کهن بشری در آن به ثبت رسیده در الواح گلینی است متعلق به ۱۴۰۰ سال پ.م که به سال ۱۹۰۷ در شمال غربی آسیای صغیر، ناحیه ای به نام بغازکوی (در ۱۵۰ کیلومتری شرق آنکارا) پیدا شد که یکی از این لوح ها، نشان دهنده پیمانی میان هیتی ها و میتانی ها است (ورمازن، ۱۳۸۷، ۱۵). برخی از محققان مانند اولانسی، هینلز و گوردون، میتراپرستی در روم را جدا از مهرپرستی در ایران باستان دانسته اند. باید توجه داشت که این ادعا، منکر ارتباط با باورها و عناصر ایرانی و اخذ آنها از سوی میتراپرستان نیست. بنابر این نظریه، آیین مهرپرستی در آسیای صغیر به آیین سری میتراس در روم باستان تبدیل شده که اعتقاد به نقش ستارگان و مناسک سری آن در مهرپرستی شرقی دیده نمی شود. بنا به اعتقاد اولانسی، الهه ی میترا، همان پرسوس از خدایان آسمانی مناطق یونانی نشین آسیای صغیر است که بر اساس نماد آسمانی "صورت فلکی

پرسیاوش" در این مناطق پرستش می شده است. مهرداد اوپاتر، حاکم قدرتمند ایرانی تبار آسیای صغیر قرن اول ق.م، به احتمال قوی، میترا را با رب النوع پرسپوس پیوند داده است (اولانسی، ۱۳۴، ۱۳۸۷-۱۳۶). بسیاری معتقدند دریا زنان آسیای صغیر که بخشی از ناوگان جنگی مهرداد اوپاتر بودند، در انتشار این آیین در یونان و روم نقش مهمی داشته اند (ویدن گرن، ۱۳۷۷، ۳۱۴). «مهر، ایزد زرتشتی است که در طی مهاجرت خود به امپراطوری روم، دستخوش تحول و دگرگونی های بسیاری شد. از جمله این تغییرات یکی آن است که میترا، مانند دیگر خدایان موجود در روم، صاحب اسطوره تولد گشت. زیرا در سنت ایرانیان، اهوراها نه تولد می یابند و نه صاحب فرزند می شوند، ولادت و زایش میترا بسیار شگفت انگیز است، او به گونه ای رهایی بخش به دنیا آمده است. پیروانش افسانه هایی را در این خصوص بیان می داشتند که از لحاظ ساختار تنها می تواند در یک دوره چوپانی ساخته شده باشد» (رستم پور، ۱۳۸۲، ۹۹).

«دین مهر سراسر امپراتوری روم باستان را فرا گرفته بود و یادمان های آن هر سال در سراسر اروپا و آسیای آن روزگار به ویژه در شرق ایران (خاصه در قلمرو پادشاهی کوشان) دیده می شد. این جنبش فراگیر در سده سوم پیش از میلاد آغاز گردید که پژوهندگان در پی یافتن علل پیدایش آن هستند. قرن ها گمان می رفت دین مهری یک آیین رازآمیز است که از آیینهای "بغ" یا "ایزد مهر باستانی که در میان ایرانیان و مردمان خویشاوند پرستیده می شد) سرچشمه گرفته باشد. از این رو برای نامگذاری آن عنوان هایی مانند: "کیش مهری سکائی مادی شده" یا "کیش مهری اخیر" پیشنهاد و به کار برده می شد تا این که ذبیح ... بهروز در کتاب "تقویم تاریخ در ایران، از رصد زردشت تا رصد خیام، زمان مهرومانی،" نشان داد که "کیش مهری اخیر" که پانصد سال دین رسمی شاهنشاهی اشکانی و امپراطوری روم بوده با ظهور شخصیت تاریخی مهر آغاز شده است» (مقدم، ۱۳۸۰، ۱۴).

۵- همزمانی تولد مهر و مسیح و گسترده آیین مهر

در خصوص شخصیت، میلاد مهر و دوره تاریخی آیین او، روایات مختلفی در نوشته های تاریخی آمده است که گاه در تناقض با یکدیگر نیز هستند که در اینجا به نمونه هایی مهم از آنها اشاره می گردد. مقدم در کتاب خود تولد مهر را چنین می آورد « ۶۵ سال پس از سلطنت اسکندر در سال ۳۳۶ پیش از میلاد بوده است» (در برخی روایت ها این سال تحت عنوان پیروزی او بر بابل یا به تخت نشستن او آمده است). به روایتی دیگر نیز تولد مهر در ۲۷۲ پیش از میلاد دانسته شده که مطابق با پنجاه و یکمین سال سلطنت اشکانیان بوده است. آمده است در روز آدینه پنجم فروردین، مادر مهر نوید می یابد و پس از ۲۷۵ روز "مهر" در نیمه شب میان شب و یکشنبه سوم و چهارم دیماه برابر با ۲۴ و ۲۵ دسامبر یعنی درست در روز تولد مسیح متولد می شود. پیش از آن که تاریخ راستین مهر پیدا شود گمان می کردند که میلاد مهر مطابق "زایش خورشید" و بازگشت آن از جنوب و آغاز زمستان است.» (مقدم، ۱۳۸۰، ۹۴) به گفته افلاطون: «این ایزد نیرومند خورشیدی، در سراسر سرزمین هایی که از هند تا آشور گسترده بوده، ستایش می شده است. کومون درباره آیین میترا چنین می گوید: «دین مهر، نزدیک به چهار سده از زایش عیسی، کماکان پیروانی از ایرانیان و هندیان داشته است» (کومون، ۱۳۸۶، ۱۸). پورداوود در جستاری به نام مهر می نویسد: «از روزی که نام مردم آریایی نژاد در سرگذشت جهان آمده است از نام خداوند نگهبان آنان "میترا" یاد شده است» (پورداوود، ۱۳۲۶، ۱۳). اما در تشریح گسترده آیین مهر نظرات مختلفی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود. پلوتارک معتقد است که چند تن راهزن از اهالی سیسیلی در سال ۶۵ قبل از میلاد کیش مهر را در قلمرو روم پخش کردند. روشن است که در اثر جهان گشایی های اسکندر و سپس استقرار تمدن هلنیستی در دوران سلوکیدها و شاهان اشکانی و در نتیجه انواع جنگ ها و مراوده ها که بین ایرانیان و مردم آسیای صغیر و دیگر کشورهای امپراطوری روم در آن ازمه روی داد، آئین ایرانی مهر به تدریج به کشورهای آسیایی و اروپایی سرایت و گسترش یافت و از راه سوریه و بین النهرین و آسیای صغیر به روم رفت. در ۶۶ میلادی امپراطور روم نرون به وسیله تیرداد پادشاه ارمنستان به کیش مهر گرایید. در زمان دیوکلیسین و گالریوس مهر خدای اول روم شد. کنستانتین کبیر قبل از قبول مسیحیت پیرو کیش مهر بود. امپراطوران روم در نقاط مختلف بارها معابدی به نام مهر ساختند یا معابد مهر را ترمیم نمودند. این معابد میتروم نام داشت. کیش مهر شمال افریقا، شبه جزیره بالکان (گویا غیر از یونان)، سواحل دانوب، داسیا (مجارستان کنونی)، زمین های اطراف رن، سرزمین گُل، شبه جزیره ایبری و ایتالیا را فرا گرفت و تا جزیره بریتانیا و "دیوار هادرین" در شمال انگلند که دارای نقش هایی از مهر پرستی است پیش رفت (حکمت، ۱۳۴۰، ۲۹۳). به لحاظ جغرافیایی می توان گفت که این آیین پیش از ظهور مسیح در گستره سرزمین های غربی به ویژه اروپایی، پیروان بسیار داشته است. پس از گرویدن امپراطوری روم به مسیحیت به شدت با پیروان مهری برخورد شد و تصمیم بر نابودی این آیین گرفته شد که اسناد تاریخی آن موجود است (ورمازن، ۱۳۸۷، ۳۴).

مایکل اسپايدل گسترش آیین مهر در رم را نیز به جهت ارتباط نزدیک ایشان با کوشانیان دانسته است. او در مقاله خود با عنوان "پارت و میتراپرستی ارتش روم" بیان می کند که مغان شهر دوراوپوس از افراد ارتش روم بوده اند، و بنابراین سربازان رومی مستقر در دوراوپوس، میتراپی را می پرستیده اند که همانندی زیادی با ایزد اشکانیان داشته و در واقع شکلی دیگر و نمونه ای قابل قیاس از میترا- مهر اشکانیان در سپاه روم بوده است (اسپايدل، ۱۳۸۵، ۵۲۹). فرانس کومون در فصل پایانی کتاب رازهای میترا می گوید: «آیین های رازورانه مهرپرستی در پیرامون سده سوم میلادی به اوج قدرت خود رسیدند و زمانی چنین می نمود که جهان چاره های جز پذیرش مهرپرستی ندارد.» (کومون، ۲۸، ۱۳۸۰) جیمز فریزر در کتاب شاخه زرین از قول رنان نقل می کند

«تردیدی نیست که دین مهرپرستی رقیب وحشتناکی برای مسیحیت بود و به راستی زمانی معلوم نبود که از این رقابت و مبارزه ایمان به مهر پیروز بیرون خواهد آمد یا ایمان به مسیح». (فریزر، ۱۳۸۲: ۶۷۰) به عقیده ی مارسل سیمون حضور مذهب مهر در غرب با توجه به یادمان های باقی مانده از آن، به آغاز سده دوم میلادی باز می گردد و کومون اوج رواج آن را اواسط سده سوم می داند (سیمون، ۱۳۸۵: ۵۰۵).

ساموئل لاوکلیسه مرحله پیاپی برای شکل مهرپرستی در اروپا قائل می شود: «میترایسم سده پیش از میلاد لزوما میترایسم سده سوم میلادی نیست و سه نوع میترایسم به ترتیب عبارتند از ۱. میترایسم پیش از یونانی مآبی، یعنی مهرپرستی دین مزدایی که قبل از تماس با آیین رازورانه «مادربزرگ» در آسیای صغیر وجود داشته است. ۲. میترایسمی که به آسیای صغیر رسید و در آنجا تحت تأثیر الهه سی بل قرار گرفت، و ۳. میترایسم امپراتوری روم» یامائوچی آن را چنین تفکیک می کند: ۱. پرستش مهر در دوره پارتیان و دوره یونانی مآبی و ۲. آیین رازورانه ی میترا در امپراطوری روم (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۱۴). به گمان ثاقب فر، در جامعه اشکانی، همانند هخامنشی، مدارای دینی کاملی وجود داشته، و از این رو فرقه های دینی گوناگونی رشد کرده اند، ولی گرایش برخی از پادشاهان اشکانی به مهرپرستی بیشتر بوده است. مک داوول نیز در مقاله خود نظر فوق را تأیید می کند. او به نقل از استرابو می گوید در سده یکم میلادی، در ایران هلیوس که به آن میترا می گویند پرستش می شود. و سپس می افزاید: سرسلسله پادشاهان کوشان، معیار واحدی برای مسکوکات در آسیای میانه و افغانستان و ایالات هندی با فقط یک نوع سکه مسی در نظر گرفت که بر روی آن سر تابان میترا و بر پشت آن شاه کوشان با کلاه فریگی (کلاه مهری) در حال نشسته حک شده بود. دسته سه تایی "اهورامزدا، میترا و آناهیتا" ظاهراً به عنوان مذهبی محبوب و فراگیر در زمان اشکانیان در ایران حفظ شده بود آ.د.ه. بیوار مذهب مهرپرستی رومی را آمیزه ای از عناصر ایرانی بسیار کهن - و در واقع ماقبل زرتشتی - با آیین هولناک ایزد بابلی "نرگل" دانسته و مهرپرستی رومی را مرتبط با ایزد مرگ به شمار آورده است (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۱۱ و ۱۵).

۶- سرشت آیین مهر - میترا و پیوند نمادهای آن با دنیای مسیحیت

در تعریف مهر در دانشنامه بریتانیکا (۱۹۷۵) چنین آمده که بنا به اسطوره، خدای خورشید پیک خود، زاغ را به سوی میترا فرستاد و دستور داد گاو را بکشد اما هنگام مرگ گاو، معجزه ای رخ داد و گاو سپید تبدیل به ماه شد. و آنگاه ردای میترا به گنبد آسمان با ستارگان درخشان و اختران بدل شد و از دم و خون گاو، نخستین خوشه ها و انگور پدید آمد. از اندام تناسلی جانور نطفه مقدسی سرازیر شد که به درون کاسه آمیزنده ای ریخت. هر آفریده ای بر روی زمین از ترکیب نطفه مقدس شکل گرفت. یک سرود میترای چنین آغاز می شود: «تو با ریختن خون ازلی ما را رستگار کردی». پس از قربانی کردن گاو، میترا و ایزد خورشید با هم ضیافتی برگزار کردند. گوشت و نان خوردند و باده نوشیدند. آن گاه مهر سوار بر گردونه خورشید شد و با او سراسر دریای بیکران را در میان هوا پیمود تا به پایان جهان رسید. خونی که مهر بر زمین ریخته است و همه زمینیان را رستگار کرده است مشابهت بسیاری در تفکر مسیحی با جاری شدن خون مسیح و توان دادن او برای گناهان کافران و رستگار کردن ایشان دارد (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۶). بعد از کشتن گاو، روح او به آسمان می رود و از آن جا بر گله ها نظارت و پاسبانی می کند و در زمین زندگی تازه ای آغاز می شود (بهار، ۱۳۷۵، ۳۲) که مشابهت با عروج مسیح دارد. «هنگام تولد مهر، دو چوپان برای پرستش وی می آیند که برخی آن دو را کوتس و کوپاتس می خوانند که در دو طرفش با دو مشعل ایستاده اند. یکی مشعلی سوی آسمان گرفته و دیگری مشعلش به سوی زمین سرازیر است. بیرون آمدن میترا از دل سنگ، اشاره به تولد خورشید است. آن که مشعل سوی آسمان دارد، کنایه از طلوع و آن که مشعلش به سوی زمین نگون است، کنایه از غروب است» (هینلز، ۱۳۸۶ ص ۱۲۴). در کتاب عهد جدید نیز ذکر شده است که مسیح پس از تولد مورد ستایش چوپانان و شبانان قرار گرفت و همواره او حامی، سرور و راهنمای ایشان است. همچنین دوازده صورت برج فلکی که از یاران میترا بودند در فرهنگ مسیحی تبدیل به دوازده حواری عیسی مسیح شده اند. از سوی دیگر می توان نقش "میانجی" (یا شفاعت کنندگی) و نقش "منجی" بودن مهر را نیز به عنوان یکی از صفات بارز مسیح نیز نام برد (دوشن گیمن، ۱۳۷۵، ۳۰۷).

۷- نمادها و شعائر مشترک میان آیین مهر و دین مسیحیت همراه ها

یکی از نمادهای مهری خرابات یا مهرابه / گاباره است که در توضیح آن چنین آورده اند: «شکاف کوه است و از شکافتن، کافتن، کاویدن است. اصحاب کهف مهربان گاباره نشین بوده اند» (کومون، ۱۳۸۶: ۳۱). مهرابه ها تالاری به شکل مستطیل بودند همانند پلان مستطیل کلیسا ها که بدان بازلیکا می گویند. شکل آن هم نمادین و نوعی تمثیل است. مهراب مهمترین قسمت یک مهرابه بود. نزدیک غار آب روانی باید می بود و سقف و گنبد غار را که نمادی از آسمان بود به صورت قوسی بنا می کردند و یکی از شروط بنای غار تاریکی آن بود. «غار نشانه گنبد آسمان است و به همین علت طاق مهرابه معمولاً محدب و مزین به ستاره های مصنوعی است (ورمازن، ۱۳۸۷، ۵۹). در قرن چهارم در بسیاری از نقاط کلیساها درست بر روی مهرابه ها بنا شده اند تا بدین گونه بر پیروزی حقیقت بر تقلید شیطانی (به زعم مسیحیان) آن تأکید ورزند، که نمونه های بارز آن در رم، کلیساهای سان کلمنته، ساتاپریسکایا سان استفانوروتوندو هستند. علاوه بر شباهت های یاد شده می توان به وجود سنگاب در مدخل مهرابه ها اشاره کرد

که امروزه معمولاً همانند آن را در مدخل کلیساها می گذارند که مومنان هنگام ورود به نشانه تطهیر، انگشت خود را در آن فرو می برند به عنوان مثال می توان به زیرزمین کلیسای سنت کلمنت اشاره کرد که در آن مهرابه ای موجود است که از زمان حضور و گسترش آیین مهر در اروپا باقی مانده است. وجود این مهرابه همچون مهرابه های دیگر در زیرزمین و در خفا اشاره ایست به ممنوعیت این دین پس از ظهور مسیحیت و آزار و اذیتی که مسیحیان بر پیروان این آیین وارد آوردند. این غارها و مهرابه ها در مناطق مختلف وجود دارند. از آن قبیل می توان به مهرابه مشهور کلیسای سنت پریسک رم، مهرابه نزدیک والبروکر شهر لندن، مریدا (مریده) در اسپانیا، مهرابه دویچ آلتن بورگنزدیک وین و مهرابه سارمیز گنوزا در رومانی را نام برد (ورمازن، ۱۳۸۷، ۲۲۱).

۷-۱- حیوانات و اشکال نمادین

در پرده نقاشی شده درمهراب سنت پریسک متعلق به ۲۲۰ م عناصر تصویری به کار رفته که با عناصر ایرانی مشابهت دارد. روی پرده دیوار سمت راست، مراسم قربانی گاو، خوک و قوچ نقش شده است. در راس موبک مردی آگاه به اسرار دین مهری که هدایت کننده بقیه است و به همین علت لقب شیر به او داده شده دیده می شود. شخص دیگری در دنبال مرد، در حالی که افسار سپیدی را در دست دارد و سپس "شیری" که حامل "خروسی سفید" رنگ است و لباسی کوتاه بر تنش است، قرار دارند. در پشت اینان مردی خمیده قامت نقش شده است که بره ای را به جلو هدایت می کند. و در آخر صف نیز شیر "حامل پیروزی" و شیر "عطیه خدانودی" "شیر درخشان" یا "فوبوس" و "شیر خندان" یا "گلاسیوس" قرار دارند و هر کدام به ترتیب حامل کوزه و خوک هستند. ورمازن درباره خروس در این نقشه ضمن اینکه خروس را "پرنده ایران" معرفی می کند و خروس سفید را در ایران به عنوان هدیه به اهورامزدا و میترا و پرنده مقدس زرتشیان می داند، چنین می نویسد: «چنانکه گفتیم، به نوای خروس، خاصیت راندن شیطان را منسوب می کردند. موبد نکته مزبور، متون سنگ نوشته هایی است که تشریف به اسرار دینی را در سحرگاهان توصیه کرده اند» (ورمازن، ۱۳۸۷، ۷۵). از این رو می توان چنین گفت که به دلیل آنکه در اوستا میان "خروس سفید" و "ایزد سروش" روابطی بسیار محکم وجود است، حضور نقش خروس در نقاشی های میتراپی خود دلیلی است که سروش همان ایزد یا خدای نقاشی های اروپایی است که هنگامی که مهر سوار بر گردونه خود تازان از افق نمودار می شود طرف راستش سروش که همان "کوت" (کوتس) و طرف چپش رشن که همان "کوتوپات" (کوتوپاتس) است قرار دارند که موبدی بر استفاده از ایزدان ایرانی در نقوش مسیحی است.

الف- کلاغ: در آیین مهر به عنوان اولین مرتبه از مراتب تشریف به این آیین مطرح است. در همگی نقش برجسته های مهری این موجود به تصویر در آمده است. در مهرپرستی اروپایی مهر به چهره یک انسان در آمده است. در سنگ نگاره های مهرابه های کهن اروپا که اکنون همگی کلیسا شده اند، کسی در میان شب و روز در حالی که سر خود را به سوی پرنده ای که از سوی روز و روشنایی به پرواز در آمده بر می گرداند و گاوی را با خنجری که در دست دارد قربانی می کند (گربران، ۱۳۸۳، ج ۴، ۵۸۲).

ب- شیر یا شیرمرد: که با آتش در ارتباط است. و نمادی از خورشید و به غایت درخشان، شیر به معنای سلطان حیوانات و سرشار از فضایل و ردایل ناشی از مقامش یعنی در عین قدرت و عقل و عدالت، دارای غرور و خودپرستی است که مابین این دو قطب، مفاهیم بی شماری نهفته است. در این مرحله آزمون فرد مهری دیگر مربوط به تحمل ریاضت ها و شکنجه های بدنی نبوده و او خود قدرت فهم اسرار را یافته است. او نماد پدر، معلم و یا شاهی است که از شدت قدرت می درخشد و در عین حال مستبد و جبار است. شیر در عین حال در همه فرهنگ ها به جهت دربرداشتن معنای حامی و پدر نمادی از بزرگان دینی است به عنوان مثال: مسیح؛ شیر یهودا، بودا؛ شیر شاکیه و حضرت علی؛ شیر خدا لقب داشتند که به معنای اقتدار و نیروی شکست ناپذیر ایشان است. شیر نماد عدالت و ضامن قدرت های مادی و معنوی است از این رو مرکوب و تخت بسیاری از شاهان و خدایان بوده، همچون تخت سلیمان، تخت شاهان فرانسه یا اسقفان قرون وسطی (گربران، ۱۳۸۳، ج ۴، ۵۸۲). شیر همچنین نشانگر برج اسد و نشانه فصل تابستان است. این نماد نشان دهنده مرحله چهارم از مراتب تشریف به آیین مهر است. این نماد قدرت در مسیحیت و انواع تزینات مربوط به کلیسا و به عنوان نماد مرقس، یکی از چهار مبلغ مسیحی به کار رفته است.



تصویر ۱. زاده شدن مهر از درخت کاج (مقدم، ۱۳۸۰، ۱۲۸)

ج- درخت کاج- کریسمس: درخت کریسمس پیشینه در مهرپرستی ایران دارد. درخت سرو و کاج در ایران باستان مقدس بودند. در علم عزاداری شیعه سرو همچنان نماد میتراپی است. در تصویر ۱ مهر را می بینید که از درختی زاده می شود. به همین دلیل امروزه مسیحیان درخت کریسمس را تزین می کنند. از نقطه نظر سیمون دین میترا، حتی پیش از صلح کنستانتین، توجه برخی از نویسندگان کلیسا را جلب کرده بود. به نظر تروتلین، و نیز ژوستین شهید، آیین های صوفیانه و رازورانه کافران و به خصوص مترپرستی نمایانگر جعل شیطانی از عقاید و آیین های مسیحی بودند:

«شیطان نیز کسانی را که به او باور دارند و مومنان به خود را غسل تعمید می دهد: او به ایشان وعده می دهد که با این غسل گناهانشان پاک خواهد شد. و من باز میترا را به یاد می آورم که بر پیشانی سربازانش نشان می گذارد. او نیز نذر نان(مقدس) را گرامی می دارد و مراسم آن را برگزار می کند. او تصویری از رستاخیز مردگان(روز قیامت) ارائه می کند و زیر شمشیر دودم تاج را بازخرد می کند.(بازخريد گناهان از سوی مسیح در مسیحیت). این سخنان را سیمون به جهت آن نقل می کند که اظهار دارد دین مهر تقلیدی عمدی از مسیحیت دارد(سیمون، ۱۳۸۵، ۵۰۳). آن چه اهمیت دارد آنست که ترتولین که با لفظ یهودیت و مسیحیت از این دو دین یاد می کند هنگام سخن گفتن از کیش مهر از اصطلاح میترای مقدس استفاده کرده و به شباهتی دقیق میان شعائر و فرایض اساسی کلیسا مانند غسل تعمید، کریسماسیون(نقش کردن برخی حروف نام مسیح)، تقدیس نان و شراب(به عنوان گوشت و خون مسیح) با آیین عشاء ربانی میترای اشاره کرده و آن ها را افشا می کند. در همین راستا نیز ژوستین نیز بدین گونه از عشاء ربانی و تقدیس نان و شراب سخن می گوید: «شیطان شرور از این نهاد(کلیسا) در آیین های میترای تقلید کرده اند. در مراسم تشریف، تکه ای نان و پیاله ای آب به نوکیش می خوراند و دعاهایی که می داند یا می تواند بداند می خوانند.» گواهی ژوستین از آن لحاظ جالب تر است که مربوط به زمانی است که آیین مهر هنوز به مذهب رسمی امپراتوری تبدیل نشده است (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۱۷).

د- آب و ماهی: نکته حائز اهمیت دیگر تقدس آب در آیین مهر، و وام گیری این مفهوم از سوی دنیای مسیحیت می باشد. عده ای بر این باور بودند که مادر میترا، آناهیتا(ناهید) در آب از تخمه زرتشت بارور شده است. تخمه یا نطفه زرتشت در آب دریاچه هامون نگهداری می شد، پس مسیحای مژده داده شده باید از آن تخمه بیرون آمده باشد. نمادهای مهری، پیوند خاصی با آب دارند، همانند بارور شدن دوشیزه در آب و بارور شدن صدف و پروراندن مروارید در آب باعث شده است که پیروان میترا تصور کنند که میترا چون مروارید از میان صدف زاده شد و نیز چون تخمه یا فر زرتشت در آب نگهداری می شد به نظر می آید جای نگهداری آن را در گل آبی نیلوفر می دانستند و از این رو نیلوفر با دین مهر بستگی دارد. نیلوفر و صدف دو نماد برجسته آیین میترا است. اما بر اساس نقش ها و تندیس های موجود در پرستشگاه های مهری بهترین نماد در خور نگهداری و پروراندن تخمه در آب، دلفین بود پس می تواند از میترا در آب نگهداری کند(رستم پور، ۱۳۴۴، ۱۰۰). تأثیرگذاری این تقدس آب را می توان در غسل تعمید مسیحیان مشاهده کرد. غسل تعمید مسیحیان در حقیقت ریشه ای میترای دارد که مطابق آن مهرپرستان، نوباگان و نوآموزان دینی را با غسل، غسل می دادند و وارد دین مهر می کردند. از این رو جانورانی چون دلفین و ماهی از نمادهای مهری و مقدس به شمار می آمده و در مهرابه ها می توان به نمونه هایی از آنها اشاره کرد(تصویر ۲). ماهی یکی از نشانه های میترای است که در سده های اولیه ی مسیحیت به عنوان نشانه عیسویان شناخته شد. ماهی در نقش نماد آب با ایزد بانوی آبها "آناهیتا" همراه می شود و به عنوان مظهری از برکت و باروری نقشی مقدس می یابد و در جایی دیگر، دو ماهی نقش نگاهبان ریشه های درخت زندگی را که در درون آب ریشه دوانده است، بازی می کنند. مسیحیان ماهی را نماد رستگاری، تبلیغ مسیحیت و همچنین عروج عیسی می دانند: از حواریون گاهی با عنوان "ماهیگیران انسان" یاد می شود. حروفی که در زبان یونانی کلمه ماهی را تشکیل می دهند می توانند به مخفف عبارت "عیسی مسیح پسر خدا و ناجی" تعبیر شوند. به طرفداران مسیحیت لقب "پیسیکولی" داده بودند که در لاتین به معنای ماهی است. در زمان استیلای امپراطوری روم ماهی نمادی بود که مسیحیان برای شناسایی یکدیگر از آن استفاده می کردند بدینصورت که وقتی دو مسیحی به یکدیگر می رسیدند یکی از آنها نمادی به شکل یک پارانتز باز در آسمان می کشید و نفر دوم اگر مسیحی بود با یک پارانتز بسته شکل ماهی نفر اول را تکمیل می کرد و به اینصورت آن دو مطمئن می شدند که هر دو مسیحی هستند. شکل ماهی روی انگشتر پاپی نیز دیده می شود. از سویی دیگر عده ای معتقدند که "ماهی" سمبلی بوده است که قرنهای قبل از مسیحیان توسط پگانیستها مورد استفاده قرار گرفته است: ماهی نماد "الهه مادر طبیعت" بوده و یا به عبارتی، نماد واژن جنس مونث بوده که به عنوان یکی از سرچشمه های زایش مورد پرستش بوده است. شکل ماهی از دو هلال ماه تشکیل می شود که در جهت مخالف کنار هم واقع شوند و می دانیم که "ماه" مونث و الهه در مقابل "خورشید" مذکر و خدا قرار داشت (البته در آیین پگانیسم)(تصویر ۲).



تصویر ۲. نقش ماهی بر نقش برجسته ی مهرابه (مقدم، ۱۳۸۰، ۱۱۵)

ماهی نمادی اولیه برای عیسی مسیح و به معنی غسل تعمید، عشاء ربانی، شام آخر، رستاخیز و جاودانگی است. استفاده از نماد ماهی به دلیل کلمه یونانی ichthys بوده به معنی ماهی ست که چرا که عقیده داشتند که این واژه از حروف اولیه واژه های عیسی I مسیح Ch فرزند Y خدا T و منجی S تشکیل شده است. در عید پاک هم در سفره ارامنه حتماً باید ماهی باشد همچنین ماهی نمادی از پتروس بزرگ ترین حواری مسیح است (دیکران زهرایان، ۱۳۸۱، ۸).

در کنار مراسم تعمید مراسم "عشاء ربانی" یعنی در آمیختن با جسم خداوند از طریق خوردن نان و شراب (به مثابه گوشت و خون خداوند مهر) در مهرپرستی اجرا می گردید که شباهت فراوان با نظیر این آداب در مسیحیت دارد. میتره آن گاو را ذبح کرد تا پیروانش بتوانند گوشتش را بخورند و خونس را بنوشند؛ همان گونه مسیح(ع) نیز به روایت انجیل در شام آخران و شراب تقسیم

کردوگفت: «اینرا بخورید که گوشت من است و این راباشامید که خون من است». مهری ها معتقد بودند که صرف گوشت و خون گاو، حیات تازه‌ای به فردمی بخشدونه تنها نیروی جسمانی را افزایش می‌دهد، بلکه روان را هم تصفیه می‌کند و به‌هنگام رستاخیز در فرغ ابدی، اثر مفیدی می‌گذارد. به عقیده برخی محققان میتره با قربانی گاو می‌خواست با او وحدت عرفانی برقرار کند. مسیحیان نیز با خوردن نان و شراب مخصوص در کلیسا، به طور نمادین گوشت و خون مسیح را می‌خورند و با او اتحاد برقرار می‌کنند (نامه اول پولس به قرنتیان، فصل ۱۰، ۱۷).

برخی خوردن آب "زور" و نان "درون" در نزد زرتشتیان را نیز از بقایای مهر پرستی می‌دانند که به مراسم عشاء ربانی شباهت دارد. باید افزود که تعطیل روز یکشنبه که هنوز در زبان انگلیسی روز خورشید نام دارد و جشن گرفتن روز تولد مهر (روز ۲۵ سامبر) و پیروی از صلیب و نواختن ناقوس و نوازندگی به هنگام دعا خوانی نیز از مهر پرستی به کیش مسیح منتقل شده است. برخی معتقدند که نمی‌توان مدعی شد که این مراسم را مهرپرستان از ترسایان گرفته اند زیرا حتی خود آباء کلیسای مسیح چنین ادعایی نداشتند (ویل دورانت، کتاب سوم، جلد سوم، ص ۱۳۱). آن‌ها مانند قدیس ژوستن شهید در کتاب "مدیحه" و تروتولین معروف مسیحی در کتاب اقوال ملحدان بر آنند که این شعبده شیطان است که مسیحیت آن را چنین به مهر پرستی شبیه ساخته است (آنشلن، ۱۹۵، ۱۹۶). از دیگر مراسم مشابه میان آیین مهر و مسیحیت مراسم شام آخر می‌باشد. در برخی تصاویر متعلق به مذهب مهر، در صیافتی که شب آخر حضور میتره به افتخار او برپا شد، علاوه بر دو خدمتگزار، ده نوجوان دیگر هم حضور دارند که مجموعاً دوازده نفر می‌شوند؛ که با تعداد حواریان حضرت مسیح (ع) در شام آخر برابر است.

۵- چلیپا: از دیگر نشانه‌های مهری وجود چلیپا (یا صلیب) است و در چهار گوشه جهان دیده می‌شود که نشان مهری و ظاهراً نماد آشتی بزرگ جهانی بوده که تصویر آن را هم روی گرده‌های نان مخصوص "بزم مقدس" (بگماز زرتشتی و شام آخر مسیحی) می‌توان مشاهده کرد. چلیپا نماد «هوآشتی» یا «آشتی بزرگ» (صلح اکبر) و برادری و یگانگی میان همه جهانیان است (مقدم، ۱۳۸۰، ۴۲). میتره آخر سر بر گردونه خورشید سوار شد و به آسمان عروج کرد (ورمازن ۵۸، ۱۲۸۷). و چه بسا از آنجا «صلیب» به عنوان نماد گردونه خورشید، در آیین مهری و بعدها به عنوان وسیله عروج مسیح (ع) در آیین مسیحیت مورد تقدیس و احترام قرار گرفت. گردونه مهر یک چلیپا با شاخه‌های ۹۰ درجه به سمت راست یا چپ است که معمولاً با جهت افقی یا گوشه‌هایی با زاویه ۴۵ درجه می‌باشد. در شکل هندویی نقطه‌هایی در هر ربع آن قرار می‌دهند. واژه‌ی سواستیکا از سانسکریت می‌باشد و آمیزه‌ای از سو (خوب) و استیکا (است یا هست) می‌باشد. به قولی در ایران باستان چنین نشانه‌ای را گردونه مهر می‌گفته اند که گردونه‌ی خورشید نیز نامیده می‌شده است. گروهی از محققان بر این باورند که این نشانواره نمادی از خورشید است که به مرور تغییر شکل داده شده است. گروهی نیز بر این باورند که در جوامع نخستین، مردم به آتش، احترام می‌گذاشتند و این نماد، نقشی از ابزار ابتدایی برای به دست آوردن آتش بود. بختورتاش نیز در تأیید همین امر چنین می‌گوید: «در گذشته از سایش دو چوب بر هم نهاده، چلیپاوار، یا پاره‌های سنگ آتش به وجد می‌آمد، به همین دلیل بیشتر پرستش گاه‌ها و آتشکده‌ها به صورت چلیپاگونه ساخته شده اند» (بختورتاش، ۱۳۴۴، ۳۰). آنچه در میان تفاسیر مختلف پیرامون معنا و مفهوم گردونه مهر مورد توجه قرار می‌گیرد، علاوه بر مفهوم نماد خورشید، مهر یا آتش، اشاره این گردونه به آخشیح‌های چهارگانه (آب، آتش، خاک و باد) است که ممکن است نماد گردونه مهر نشان از آنها باشد. «از آنجا که چلیپا به معنای خورشید است و در اوستا مهر ایزد فروغ و روشنایی و عهد و پیمان است و مرتبط با خورشید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که چلیپا نیز یکی از نمادهای مهر است» (باقری، ۱۳۸۷، ۱۴۳).

۶- کلاه: مسیحیت نه تنها همه آیین‌های مهرپرستی را از آن خود کرد، بلکه حتی از تاریخ زایش مهر، از لقب "پدر پدران مهری" (پاپ امروزی) و از کلاه مهری نیز نتوانست بگذرد و می‌دانیم که در گذشته پاپ‌ها و امروزه اسقفان مسیحی کلاه مهری بر سر می‌گذارند و به آن نیز در زبان‌های اروپایی میتره می‌گویند، همان گونه که بابائوئل‌ها نیز در جشن میلاد مسیح-مهر در ۲۵ دسامبر کلاه سرخ رنگ نوک برگشته مهری بر سر می‌گذارند و همانند مهر رداي سرخ می‌پوشند. همان گونه که در ایران نیز زرتشتیان سه بار نماز روزانه خود را در سه نوبت طلوع، اوج (ظهر) و غروب ایزد مهر (خورشید) و به سوی مهر برگزار می‌کنند که به گونه‌ای مورد تقلید مذاهب دیگر نیز قرار گرفته است، و این همه نشان از قدرت مهر دارد (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۲۰). الئونوردورنر نیز در مقاله خود با عنوان «خدای کلاه به سر» چنین بیان می‌کند که: «از زمانی که میتر (مهر) در آسیای صغیر و اروپا مورد پرستش قرار گرفت، بر اساس تمامی شواهد و مدارک موجود، کلاهی همانند کله کنونی پاپ به سر داشته که طراحی آن بر اساس هنر ایرانی بوده است، این کلاه با گذشت زمان، به کلاهی نرم تغییر شکل یافته و نماد آسیای صغیر شده است. این ویژگی چنان شهرتی یافته که هوست نیز درباره اش چنین می‌گوید: «کلاه فریگی مخصوص خدای کلاه به سر است.» دورنر چنین می‌افزاید که هیچ یک از ایزدان باستانی یونان چنین کلاه آراسته‌ای نداشته‌اند. ژوپیترا و نپتون با موهای مجعد و آراسته مجسم شده‌اند. تنها مریخ (بهرام) به عنوان الهه جنگ کلاه خود داشته است. مرکور (عطارد=تیر) گاه با کلاهی سفری یا فضایی توصیف شده است. کلاه در میان یونانیان و هنرمندان ایشان همیشه به عنوان یک نماد شرقی مطرح بوده است، مانند پاریس (در ایلیاد هومر) که به عنوان شاهزاده‌ای شرقی شهرت دارد. کلاه به سر بودن اودیسه (در حماسه هومر) نشانه آنست که او نیز در کشتی زندگی همانند دیگران سرگردان است. کلاه مهری یا فریگی در میان ملوانان مدیترانه محبوبیت بیشتری داشت و تا قرن نوزدهم نماد سنتی ایشان بود. فرزند زئوس (ژوپیترا)، که ملوانان آن‌ها را بسیار دوست دارند، نیز معمولاً با کلاه ترسیم شده‌اند. در میان کشورهای

مستقل آسیای صغیر، ایزد مهر(میترا) در نقش برجسته‌ها و تندیس‌های شاهان کوماگنه(کومازن) که جامه‌های ایرانی به تن دارند دیده می‌شود.



تصویر ۳. سکه آنتیوخوس ششم
(مقدم، ۱۳۸۰، ۱۱۰)

در مجسمه یافته شده در آرسامیا، میترا کلاهی به سبک ایرانی به سر دارد، کلاهی نسبتاً بلند که نوک آن کمی به سمت جلو کج شده است. همچنین تصویر او در یادمان‌های نمرود داغ بر روی نقش‌ها و کتیبه‌های دیکسیویسیس همراه شاه آنتیوخوس که تاجی همانند او به سر دارد دیده می‌شود. در اغلب تصویرها در پشت کلاه قرص خورشید به چشم می‌خورد. به این ترتیب، ترکیبی از مهر ایرانی و تاج ایزد خورشید به نمایش گذاشته شده است(دورنر، ۱۴۶، ۱۳۸۵-۱۴۸)(تصویر ۳)

ز- هاله دور سر: هاله نور که ایزدان و برخی از فرمانروایان بر دور سر دارند نمادی از فره است. هاله تقدس، جلوه و ذات پروردگاری در چهره اشخاص است که سبب نورانی شدن و قداست آنها شده است. تعبیر گوناگون هاله تقدس عبارتند از: انرژی الهی، نورساطع شده از تقدس، فره، دایره شکوهمند، فضیلت، صدور قوه حیاتی موجود در سر، نورمتعالی معرفت، قدرت، نبوغ. به این ترتیب می‌توان دریافت که هاله نور در اساس، چه در مورد انسان‌ها و چه ایزدان، همواره با نیروهای فوق طبیعی و سماوی در ارتباط بوده انداز یک تفکر انتزاعی و اساطیری-مذهبی برخاسته و در تصاویر، میان این امر معنوی، با وجود مادی و انسان نمایانه خدایان، ارتباطی پذیرفتنی ایجاد کرده است. نور، آتش، خورشید، چلیپا، حلقه اقتدار، دایره، سیمرغ، شاهین، مروارید، گل لوتوس از نمادهای فر می‌باشند. اکثر این نمادها در ارتباط با آسمان و گردش زمان و کیهان است و به عالم ماورا اشاره دارند(الهی، ۱۳۸۲، ۳۵). داریوش شایگان در این خصوص معتقد است که نورالانوار که از مشرقی به مشرقی دیگر، روشن کننده عوالم است و برآمدن و طلوعش در هر مقام و مرتبه‌ای در حکم نوعی کشف است و نوری که از اعماق هویت الهی برمی‌خیزد، و از آغاز پیدایش جهان تا پایان استحاله آن، دست اندرکار و فعال است، همان خورنه اوستا است. نقش این نور در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی مزدیسنايي نقشی اساسی دارد. هاله، آتش زندگی بخش، فرشته شخصی و عظمی بوده و تقدیر هر موجودی در این نور نهفته است. به منظور عینیت یافتن فر و نمایش آن به عموم مردم، در شمال‌های مقدس، این نور را به صورت هاله‌ای درخشان تصویر می‌کنند که گرد سر شاهان و روحانیون مذهب مزدیسنا حلقه زده است و همین تصویر است که به چگونگی نمایش تصاویر بودا و نیز به شیوه نگارگری چهره‌های آسمانی در هنر آغازین مسیحیت(بیزانس) منتقل شده است(شایگان، ۱۳۹۲، ۲۲۱). فر به شکل خورشید و حلقه نورانی مدوری در اطراف سر قدسیین دیده می‌شود. دایره، نمایشگر حرکتی نامتناهی و جاودانه است که آرامش ایجاد می‌کند(سکینه و خورنه). دایره سمبل روح است و افلاطون نیز روح را مانند یک کره وصف کرده است(یونگ، ۱۳۵۲، ۳۹۴). نماد دایره، در پرستش خورشید، نزد اقوام ابتدایی و مذاهب جدید، در اساطیر و رویاها، ماندالاهای، نقشه‌های شهرها و طرح‌های کروی منجمان قدیم، همواره به حیاتی‌ترین جنبه زندگی که تمامیت نهایی آن است، اشاره دارد(همان، ۳۷۹). در مهریشت آمده است که دور سر مهر را هاله‌ای زرین فراگرفته و بر فراز کوه هراپرزایی(البرز) می‌درخشد و از آنجا سرزمین آریایی را نظاره می‌کند(ورمازرن، ۱۳۸۰، ۹۴). تاج خار مسیح، همان هاله خورشیدی است که به صورت مادی خود را نشان می‌دهد و از عالم ملکوت به عالم ناسوت تغییر وضعیت پیدا کرده است(غراب، ۱۳۸۴، ۲۵). این نکته که اصل جهان نور و خالق جهان، نورالانوار است ریشه در ادیان "طبیعت محور" دارد و از کیش پرستش خورشید که در بین این گونه مذاهب، دارای مقام خاصی است؛ نشأت گرفته است. در ایران، مهرپرستی(میترائیسم) از نمونه‌های بارز چنین دینی است. نور، همواره، در اعتقادات و باورهای ایرانیان جایگاهی مهم را دارا بوده است و به عنوان نشانه‌ای ایزدی و الهی مقدس شمرده شده و مورد پرستش بوده است(شایگان، ۱۳۹۱۸۰). پیروزی نهایی نور بر تاریکی اهریمنی، یکی از خصایص اصلی دین قدیم ایرانیان بوده است. اندیشه اصالت نور به مثابه ماده و واحد وجود، سه بار در تاریخ تکامل جهان بینی ایران ظهور می‌کند. دوبار به شکل خالص مذهبی(در مزدیسنا و مهرپرستی) و یک بار به شکل فلسفی و استدلالی(در فلسفه "اشراق" یا حکمه التوریه سهروردی). در انسان کامل، نور تماماً از ظلمت جدا گردیده و در وجود او متجلی می‌گردد(نسفی، ۱۳۶۲، ۲۵). در کهن‌ترین تصاویر خورشید-خدایان، هاله تقدس به شکل قرص ظاهر می‌شود. هاله یا به صورت قرص ساده یا پرتوهای نوری در می‌آید که از سر آنها ساطع است(هال، ۱۳۸۶، ۲۲۱). در ایران، میترا و اهورامزدا که خدایان خورشید بودند با دایره‌ای دور سر آنها نمایش داده می‌شدند. این دایره بعدها به صورت هاله تقدس به هنر و آیین بودایی راه پیدا می‌کند(همان، ۳۲۷). و البته به علت تقدم آیین مهر بر دین مسیحی همین وام‌گیری نمادین هاله تقدس را از سوی هنرمندان دوره بیزانس برای نشان دادن تقدس مسیح و ارتباط دادن او با نور می‌توان مشاهده کرد.

۷-۲- بازتاب نمادهای مهری در نمادهای چهار مبلغ انجیل



تصویر ۴. نمادهای چهار مبلغ در کتاب کلز (سایت اینترنتی شماره ۱)



تصویر ۵. کلیسای ترینیتی مقدس - ابريستويث (سایت اینترنتی شماره ۲)



تصویر ۶. خداوند که با چهار نماد مبلغین انجیل تصویر شده. قرن ۱۸ م. کتاب سرود اتیوپیایی. (سایت اینترنتی شماره ۳)

در حزقیال می خوانیم که وقتی نگاه می کنم یک باد طوفانی از قسمت شمال می آید: یک ابر بزرگ با روشنایی در اطراف آن و چهار آتش که به طور مداوم می درخشند و در میان آتش چیزی شبیه کهربا چشمک می زند. در میانه آن چهار مخلوق زنده قرار دارند که ظاهر ایشان چنین است: آنها در هیئت انسانی هستند. هر کدام دارای چهار چهره و چهار بال می باشند. چهره های ایشان شامل: هر چهار فرد دارای یک چهره انسانی، صورت شیر در سمت راست، صورت گاو در سمت چپ، و صورت عقاب، ایشان را تترامورف می خوانند. چهار چهره توضیح داده شده، نمادهای انجیلی هستند که نشانگر چهار نشانه ثابت زودیاک می باشند. گاو نماینده توروس، شیر نشانگر برج اسد (شیر)، عقاب نماینده ی برج عقرب و مرد نماد برج دلو می باشد. این چهار شکل به همین ترتیب نماد چهار عنصر قدیمی آب، هوا (باد)، خاک و آتش می باشد. همچون شرایط و موارد دیگر مسیحیان نمادهای بت پرستان را که برای مردمان آن روزگار آشنا بوده را اخذ نموده و آنها را تبدیل به نمادهای مسیحیت کرده اند (تصاویر ۴ و ۵).

الف - ماتیو - متی: در تصویرسازی مسیحی او را به صورت مردی بالدار تصویر کرده اند او در نقش انسانیت مسیح زندگی می کرد او را اولین جمع آوری کننده و نویسنده انجیل می دانند و در برخی متون از او به عنوان یکی از ۱۲ حواریون نام برده اند (تصاویر ۷ و ۸).

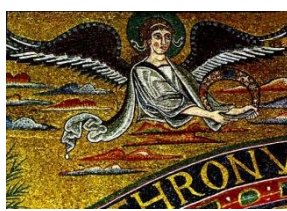
ب - مارک - مرقس: نماد مرتبط با او نقش شیر است. تصویری که مرتبط با بیابان است چرا که آیات ابتدایی انجیل او با اقامت موقت حضرت عیسی در بیابان در میان حیوانات وحشی و وسوسه شیطان در هیئت شیر غرنده آغاز می گردد. مردی که او را به صورت نشسته در حال نوشتن نشان می دهد که شیری بالدار در کنار او قرار دارد. شیر سمبل سلطنت است و مارک از سلطنت مسیح در انجیل خود بحث می کند (تصاویر ۹ و ۱۰).

ج - لوک - لوقا: نماد او گاو نر می باشد. گاو نر نماد قربانی در میان یهودیان و ندیای بت پرستان می باشد (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

د - جان - یوحنا: او جوانترین مبلغ انجیل است و او را در نقش عقاب به تصویر کشیده اند (تصویر ۱۳).



تصویر ۹. سنت مارک. کلیسای لور - هولی هیز. (سایت اینترنتی شماره ۶)



تصویر ۸. سنت ماتیو. کلیسای سنت کلمنت. (سایت اینترنتی شماره ۵)



تصویر ۷. کلیسای سنت آن. اثر جانت هاردی (سایت اینترنتی شماره ۴)



تصویر ۱۱. سنت لوک. کلیسای لور - هولی هیز. (سایت اینترنتی شماره ۸)



تصویر ۱۰. کلیسای سنت آن. اثر جانت هاردی اندازه: ۴۰ سانتیمتر (سایت اینترنتی شماره ۷)



تصویر ۱۳. قدیس یوحنا. نقاش: جانث هاردی. دیوار جنوبی کلیسای سنت آن. اندازه: ۴۰ سانتیمتر (سایت اینترنتی شماره ۱۰)



تصویر ۱۲. قدیس لوقا. نقاش: جانث هاردی. دیوار جنوبی کلیسای سنت آن. اندازه: ۴۰ سانتیمتر (سایت اینترنتی شماره ۹)

نتیجه گیری

از شمال جزیره انگلیس تا لبه صحرای آفریقا، در سراسر اروپای غربی و شرقی، و گرداگرد دریا مدیترانه، به ویژه در شهر رم و پیرامون آن بازمانده های مهرابه ها یا پرستشگاه های دین مهری پیدا شده است و هر ساله آثار دیگر و مهرابه های تازه ای از زیر خاک (بیشتر از زیر کلیساهای کهنه) بیرون می آید. امروزه آشکار شده که از سده دوم پیش از میلاد دین مهری در امپراتوری پیروان بسیار داشته و سپس به صورت مهمترین دین امپراتوری درآمد و تا چند سده مقام خود را حفظ نموده است. (دین "پگانی" یا "یغانی" همان دین مهر، و "یغ" عنوان مطلق مهر است). فقط پس از کشمکش بسیار شدید بود که از سده چهارم میلادی دین عیسوی توانست تا حدی جای دین مهری یا مسیحایی را بگیرد، ولی رسم و آیین و معتقدات و اصطلاحات دینی و طرز حکومت کلیسایی و معماری و هنرها و لباسها و نشانهها و نمادها و گاه شماری و موسیقی و همه چیزهای اساسی کلیسای غربی از دین مهری به عاریه گرفته شده یا بر پایه های آن بنیاد گذاشته شده است. در این مسأله اغلب تاریخ نویسان و پژوهندگان همداستانند. از آنچه از نوشته های شرقی و غربی باقی مانده است می توان چنین برداشت کرد که دو مسیح در دو عصر ظهور کرده اند که یکی از آن دو مصلوب نشده است. در تاریخ کلیسای عیسوی به چند فرقه برمی خوریم که میان مسیح و عیسی فرق می گذاشتند و آن دو را از یکدیگر باز می شناختند. در خود کتاب مقدس، در رساله دوم پولوس به قرتیان، باب یازدهم، آیه ی چهارم، می خوانیم: «زیرا اگر او که آید سخن فرا گوید از عیسای دیگری که از او سخن نگفتم یا اگر روان دیگری بپذیرد که نپذیرفته بودید یا انجیل دیگری که نه بگرفته بودید نیکو می کردید که با او بردباری کنید، زیرا می دانم که از بزرگترین رسولان اندکی هم کمتر نیستیم». همچنین از کتابهای تاریخ که از اوایل دوره اسلامی بازمانده و از تفسیرهای قرآن برمی آید که دو پیغمبر ظهور کرده که مسعودی در مروج الذهب نخستین را "السید المسیح" و دومی را "ایسوع ناصری" می خواند. روایت های کتابهای تاریخ، از جمله طبری، مسعودی، ثعالبی، مقدسی، ابن مسکویه و ابن اثیر و تفسیرهای قرآن زایش مسیح مصلوب نشده را در ۶۵ ملک اسکندر و سال ۵۱ اشکانی در پادشاهی شاپور (یا اشته پور) پسر اشک و همزمان انتیوخوس سومین پادشاه پس از اسکندر، و مرگ او را در ۴۰ سال پیش از ویرانی دوم بیت المقدس به سال ۱۶۸ پ.م گذاشته اند. بر اساس تحقیقات ذبیح الله بهروز، مهر که دین او سراسر جهان باستان را در دوره شاهنشاهی اشکانیان فرا گرفت، و تحول ژرفی در دین و فرهنگ و هنر پدید آورد که آغاز دوره نوینی در تاریخ بشر بود، شخصی بوده که در خراسان در سال ۵۱ اشکانی (برابر با ۲۷۱ پ.م) شب یکشنبه (۲۵ دسامبر) زاییده شده، در ۲۴ سالگی مبعوث شده، چهل سال در میان مردم به دعوت پرداخته، و روز دوشنبه چهارم شهریورماه نزدیک نیمه شب برابر با ۲۰۹ پ.م) جهان را بدرود گفته است. این دوشنبه برابر با ۲۷ رجب مقارن با شب معراج است. (مقدم، ۱۳۸۰، ۶۶-۷۱) فیلسوفان هند و ایران و مصر و یونان راه مسیح را در انتشار دین خویش بیش از پیامبران اسرائیل باز کردند. فلسفه مغان همچون عطیه ای گرانقدرتر از زر برای دین مسیح نخواستند بود. اما "تمنیات دینی" که متوقف بر سه مسئله بود: اندیشه اعتقاد به خدا، نیاز به یک میانجی بین خدا و انسان، نجات اخروی و داوری در روز قیامت. در دیده بت پرستان خدایان خواجهگانی مقتدر و دشوار پسند بودند و به صرفه انسان بود که موجب رضایت آنان را فراهم کند. این عقیده ساده و درخور انسان، به سایر افکار مبتنی بر اعتقاد به اجحاف گری خدایان اضافه شد و البته چندان جدی نبود. در دین مهری خدای واحد و جاودانی سرور عالم شد و قادر مطلق جهان بی انتها گشت. تنها خصیصه انسانی ای که در او وجود داشت عقل بود که به حد کمال در او موجود بود. در آغاز و در بن هر شیء عقل هست و عقل خداست، اما عقل خدا سوای عقل انسان هاست که همیشه در معرض تهاجم نیروهای تخیل و احساسات است. تمام مذاهب مبتنی بر سنت، مدعی معرفت بر چنین خدایی شده اند. این خدا در یونان زئوس، در اسکندریه سراییس، در سوریه هداد و بعل، و در پالمیر بعل شمیم نامیده شد. مغان خدا را در اهورامزدا یافتند و از او مفهوم کرونوس را ساختند که سرور زمان بود. حتی زئوس که با فرشتگان بدکار در جدال است، به ظاهر خادم اوست. میترا پسر و قاصد اوست.

چنین دگرگونی در زمینه دین باعث پدید شدن فاصله ای میان خدا و انسان شد و دوباره ضرورت وجود یک موجود میانجی که هم کمال و قدرت خدا را بدارد و هم حیات و تقوی و تجربه انسان را، احساس شد. از این جهت تمام ادیانی که مایل به ادامه ی حیات بودند، بر آن شدند تا بین خدا و انسان میانجی ای پیشنهاد کنند. از این رو ما شاهد حضور پر رنگ منجی در همه ی ادیان هستیم که به نوعی امید برای نجات و رهایی را در دل مومنان زنده نگاه می دارند و همواره ذکر یاد آنان و خدمت به ایشان در

روش زندگی مومنان قرار می گیرد. این مداخله مدام منجیان در زندگی انسانی در هر دوره تاریخی به واسطه ی ویژگی های آن دوره به شکلی نمادین حضور می یابد که همواره پاسخگوی نیاز منتظران است. این نجات اخروی بشر منشأ اعتقاد به ابدیت روح و همچنین سفر نهایی منجی به عالم بالا شد که مساله عروج آنان را رقم زد. چه در مسیحیت و چه در آیین مهر عروج و سفر آنان به سمت نور قابل ملاحظه است. در واقع گذر از تن و رسیدن به نقطه ای که تنها روح می تواند حضور داشته باشد را ما در عروج پیامبر هم می توانیم مشاهده کنیم که خود نشانی از تقدس است. و اما مکان مناسک هر دو آیین در جایگاهی انجام می پذیرد که متمایز از جایگاه پیروان است. واژه آبه، آوه یا آوج که در واژه های فارسی گورابه(گنبدی را گویند که بر سر قبرها سازند)، سردابه، سرداب، گرمابه، گرماوه در ترکیب دیده می شود. آوه ساختمانی طاقدار و گنبددار است. این واژه همراه با دین مهر به اروپا رفته و به زبان لاتین و زبانهای دیگر اروپایی درآمده و در انگلیسی به صورت abbey مانده است که دیر مسیحی است. (مقدم، ۱۳۸۰، ۷۵)

همه آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که در مقطعی از تاریخ دین مهر و مسیحیت به واسطه ویژگی امید بخش و در عین حال مهرپرور خود مورد توجه تعداد زیادی از مردمان رنج دیده قرار گرفت. به لحاظ ارتباط میان طرفداران این دو دین به نظر می رسد در بسیاری از موارد ویژگی ها و نمادهای آنها بسیار به هم تنیده اند و به لحاظ تقدم آیین مهر بر مسیحیت این گمان می رود که دین مسیحیت در بسیاری از موارد به شرح آنچه گفته شد متأثر از آیین مهر بوده است از جمله مهرابه، هاله، حیوانات و اشکال نمادین، ماهی و آب، موعود زایش، عروج، چوپانان، کلاه فریجی، چلیپا، درخت کاج، شیر، کلاغ.

منابع

۱. آشنلن، شارل. (۱۹۵۰). منشأ مذهب، مبحث میترائیسم و مسیحیت. چاپ و تصحیح ادیسیون سوسیال.
۲. اولانسی، دیوید. (۱۳۸۷). پژوهشی نو در میتراپرستی. ترجمه مریم امینی. تهران: نشر چشمه.
۳. باقری، مهری. (۱۳۸۶). دین های ایران باستان. تهران: انتشارات قطره.
۴. بختورتاش، نصرت الله. (۱۳۴۴). گردونه ی خورشید یا گردونه ی مهر. مجله ی بررسی های تاریخی. شماره ۱. سال هشتم.
۵. بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات آگاه.
۶. پورداوود، ابراهیم. (۱۳۲۶). فرهنگ ایران باستان. گفتارهایی درباره فرهنگ ایران باستان و برخی واژه های ایرانی. بمبئی.
۷. پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۴). ویژگی های آیین زرتشت. ترجمه مهرداد مهرین. تهران: انتشارات فروهر.
۸. ثاقب فر، مرتضی. (۱۳۸۵). دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارش های دومین کنگره مهرشناسی). تهران: انتشارات توس.
۹. چند تن از خاورشناسان. (۱۳۳۷). تمدن ایرانی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. حکمت، علی اصغر. (۱۳۴۰). نه گفتار در تاریخ ادیان. جلد دوم. تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۱. دورانت، ویل. (۱۳۷۰). تاریخ تمدن. کتاب سوم. جلد سوم. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۲. دوشن گیمن. (۱۳۷۵). دین ایران باستان. ترجمه رویا منجم. تهران: انتشارات فکر روز.
۱۳. دیگران زهرابیان، آدانا. (۱۳۸۱). مقاله نمادها و سمبلها در هنر مسیحیت (گزیده ای از پایان نامه بررسی و تحلیل بر تصاویر عیسی مسیح) فصل نامه پیمان - شماره ۲۰ - تابستان
۱۴. رستم پور، سالومه. (۱۳۸۲). مهرپرستی در ایران، هندو روم، تهران: انتشارات خورشید آفرین.
۱۵. شایگان، داریوش. (۱۳۹۲). بت های ذهنی و خاطره ازلی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۶. شایگان، داریوش. (۱۳۹۱). بینش اساطیری. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۷. کومون، فرانتس. (۱۳۸۰). آیین پررمز و راز میترائی: رازهای میترا. ترجمه هاشم رضی، تهران: انتشارات بهجت.
۱۸. فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۲). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: انتشارات آگاه.
۱۹. غراب، ناصرالدین. (۱۳۸۴). مقاله دین و بدن. نامه پژوهش فرهنگی سال نهم. دوره سوم. شماره دوم.
۲۰. مقدم، محمد. (۱۳۸۰). جستار در مهر و ناهید. تهران: انتشارات هیرمند.
۲۱. ورمازن، مارتین. (۱۳۸۷). آیین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: نشر چشمه.
۲۲. ویدن گرن، گنو. (۱۳۷۷). دین های ایران. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: انتشارات آگاهان ایده.
۲۳. هینلز، جان. (۱۳۸۶). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
24. URL 1: <https://www.tcd.ie/library/manuscripts/blog/2013/03/the-book-of-kells-symbols-of-the-four-evangelists/>
25. URL 2: <http://stainedglass.llgc.org.uk/image/5644>
26. URL 3: <https://catholicexchange.com/what-are-the-symbols-of-the-four-evangelists>
27. URL 4: <http://stainedglass.llgc.org.uk>
28. URL 5: http://catholic-resources.org/Images/Evangelists/matthew_SanClem.jpg

29. URL 6: <http://www.sspp.ca/Symbols/2018/>
30. URL 7: <http://www.sspp.ca/Symbols/2018>
31. URL 8: [http://www.sspp.ca/Symbols\)/2018](http://www.sspp.ca/Symbols)/2018)
32. URL 9: [http://www.sspp.ca/Symbols\)/2018](http://www.sspp.ca/Symbols)/2018)
33. URL 10: [http://www.sspp.ca/Symbols\)/2018](http://www.sspp.ca/Symbols)/2018)

Common Symbols between Mithraism and Christianity

Abstract

It's about more than 3 thousand years that the Iranians have celebrated "Yald" in 21th December. This day is celebrated in the Christian world at the birth of Christ, which was changed to December 25th in the fourth century AD due to the mistake of calculating leap years. Many churches throughout Europe have been marked by many signs of Mithraism in the early centuries of Christianity. For the church, Mithraism was intrusive, and its memorials from the Roman Empire show that it is welcoming and gratifying among the people. Clergies have tried a lot to vanish Mithraism. So by their attempts, Mithraism was a forgotten name for a long period in Europe, and even in the 15th and 16th centuries, archeologists considered Mithraism memorials as a symbol of mythical gods and heroes of Rome. But in recent years, by studying the Scriptures, there are many similarities between the symbolic characteristics of this religion and Christianity. The influence of the Mihr on the Western lands and the survival of its origins in Christianity, as well as its survival as pictorial symbols that are repeated or re-established in the next period, have confirmed the adoption of firm foundations of Mithraism, which has been able to accept changes in Concepts but preserve several characters such as symbols, shapes, or vice versa, by preserving concepts and changing its manifestation such as form and manner, survive to the present time as a one of most popular religion in early Christianity. This led officiates to acquire the manifestations of Mithraism and entering them into Christianity, in order to gather followers and attract fans towards themselves through capturing the appearance of Mithraism, and sometimes even by adding some of concepts of this popular rite such as the "Prophet of Peace and kindness and the Savior". This article deals with this question: what are the common symbolic features of Christianity? It was concluded that the commonality of these two religions is not only in the symbolic appearances, which is also often found in the basic concepts and paths of conduct. Moreover, we could result that in a specific period of time these tow religions could attract a lot of people due to the promising and at the same time kind character, which could help suffering peoples and soothe their pains. In this regard, the descriptive-analytical method and the library and observational method are used.

Key Words: Mithraism; Christianity; Christian Symbols and Meaning; Mithraism Symbols and Meaning